

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ نومبر ۲۰۱۹

فعال شدن "تیم های مرگ" در افغانستان!؟

پنجشنبه- ۰۹ عقرب ۱۳۹۸ - کابل: اگر اخبار دو هفته اخیر را به دقت تعقیب نموده باشید، باز هم سلسله قتل هائی در افغانستان آغاز یافته که سالها قبل بعد از یک دوره کوتاه، متوقف شده بود. این نوع قتل ها کشتار مقامات و افراد صاحب نفوذ در خارج از حوزه قدرت شان به خصوص در شهر کابل می باشد.

چنانچه به صورت نمونه آشکار می توان کشته شدن قومندان امنیه ولایت بادغیس "شریف الله چمتو" و امروز "عزیز الله کاروان" قومندان قطعه خاص ولایت پکتیا را باز هم در شهر کابل به مثابه ادامه تجلی یک ترور سازمانیافته نشانی نمود. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- برداشتی که از ترجمه های همکاران عزیز پورتال آقایان "محو، نویدی و شیرینی" و سایر دوستان بر می آید، امپریالیسم امریکا در دوران حیات ننگینش ترور مخالفان حاکمیتش را به مثابه یک سیاست عملی اعلام ناعلم در تمام نقاط جهان پیش برده است. بدان معنا که در هر کشوری که حضور سیاسی و یا نظامی داشته است، در کنار آن که از سایر وسایل من جمله از ارتش خون آشامش جهت قلع و قمع مخالفانش بیدریغ استفاده نموده مناطق و کشور هائی را به گورستان جمعی باشندگانش مبدل نموده است، همیشه یک و یا چند "تیم مرگ" نیز در آن منطقه و یا کشور ساخته، آن عده از مخالفان بالقوه اش را که کشتن مسقیم شان می توانسته باعث درسر گردیده و هزینه عمل را بالا ببرد، بدون آن که کسی بداند و ثابت نماید که قاتل کیست، طرف مورد نظرش را از بین برده است. کاری که نه تنها در امریکای لاتین به کرات انجام داده، بلکه در سایر کشور های ایتوپیی، سریلانکا، عراق، سوریه، ایران و ... نیز از انجام آن خودداری نورزیده است.

۲- این نوع ترور ها در کل دارای چند ویژگی و چند وجه مشترک با همدیگر می داشته باشند:

- ۱- طرف مورد نظر عملاً مخالف این و یا آن سیاست امپریالیسم امریکا است.
- ۲- طرف مورد نظر آدمیست که در منطقه خود به علاوه آن که از نفوذ فوق العاده برخوردار است، حذف فزینی اش نیز یا آسان نیست و یا هم هزینه زیادی را ایجاب می نماید، نمونه بدنامی های دولت دست نشانده و باداران امریکائی اش، حین ترور قومندان "رازق اچکزی" در قندهار تا هنوز در خاطره ها مانده است
- ۳- کشتن علنی اش باعث بروز درد سر هائی می گردد که امپریالیسم آن را لازم نمی داند.
- ۴- انداختن مسؤولیت قتلش به گردن مخالفان و دشمنان امریکا قابل توجیه باشد.

هموطنان گرامی!

وقتی به کشته شدن قومندان "رازق"، قومندان "چمتو" و قومندان "کاروان" نظر می اندازیم می بینیم که هر سه تن دارای وجوه مشابه می باشند، یعنی به شدت ضد طالب و مصالحه با طالب بودند، در منطقه خودشان از چنان نفوذ و قدرتی برخوردار بودند که عملاً ترور شان اگر ناممکن هم نبود هزینه زیادی را برای اشغالگران بار می آورد و طالب هم از گرفتن مسؤلیت قتل آنها شانه خالی نمی کرد، در چنین اوضاعی افراد مخالف سیاست صلح امپریالیسم امریکا کشته می شود، خون شان هم به گردن طالب می افتد. هرگاه چنین نباشد، و این کار واقعاً کار طالب باشد، طالب می باید:

دارای قویترین و بهترین سازمان استخباراتی و تعقیبی و عملیاتی باشد تا ترورهایش را موفقانه انجام داده بتواند، سازمان استخباراتی به منظور اطلاع از برنامه های شخصی افراد مورد نظر حتا در خارج از منطقه حاکمیت شان، توان تعقیب فرد مورد نظر در شهری دیگر و اجرای نقشه با خلق فرصت در یک منطقه کاملاً غیر قابل پیشبینی.

هموطنان گرامی!

ضرورت هائی که جهت انجام چنان عملی از آنها نام بردم حتا از نهاد های تروریستی چون القاعده نیز بر نمی آید تا چه رسد به یک جمع ایله جاری چون طالب. فراهم ساختن تمام آن ضرورتها فقط از عهده نهاد های استخباراتی چون "سیا"، "موساد" و رقبای شان ساخته است تابتوانند در همه جا و همه وقت سیاست حذف دشمنان را انجام دهند.

هموطنان گرامی!

امپریالیسم امریکا با اطلاع و یا بدون اطلاع دولت دست نشانده وارد فاز جدیدی از تروریسم دولتی گردیده که نباید نسبت به آن بی توجه مانده غافل شد. در چنین فضائی دفاع غیر فعال که خود را نگهداشتن است، کافی نبوده، برای بقاء می باید با حمله بر مواضع دشمن، به دفاع فعال دست یازید و عمر رژیم پوشالی و بادارانش را کوتاهتر ساخت.

سرکها ما را می طلبد!!